

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

پیکار پامیر  
تورنتو

## هنگامه انتخابات و واقعیت های افغانستان

در این روزها، افراد، گروه ها و رسانه های جمعی هم میهنان ما سخت سرگرم گفت و گو و تحلیل و تبصره روی موضوع انتخابات ریاست جمهوری کشور و کاندیدا های احتمالی و یا قبلا اعلام شده میباشند.

این درست است که نخستین بار در گستره تاریخ سیاسی کشور بود که نخستین دور انتخابات مذکور تا اخیر سال جاری تدویر یابد. افغانستان، حدود سه سال قبل صورت گرفت و قرار است دومین دور انتخابات مذکور تا اخیر سال جاری تدویر یابد. ولی سوال اساسی اینست که آیا اینهمه هنگامه سازی و غوغا پراگنی پیرامون انتخابات و حتا تلاش برای معرفی شخصیت "پاک"، "فعال" و "دلسوز" و... برای ریاست جمهوری افغانستان در تحت اوضاع و شرایط کنونی کشور ما چقدر ارزش و اهمیت خواهد داشت؟ و یا به عبارت دیگر، پرداختن، اندیشیدن و بحث کردن از حد فزون در چنین موردی چقدر ضرور خواهد بود؟

حال، ممکن است بعضی از خواننده گان گرامی تا اینجا به من خرده گرفته و یا تعجب کرده باشند که این چه تفکر و پرسشی است که مطرح میشود؟ آیا طرح مسایل مربوط به انتخابات ریاست جمهوری برای آینده کشور ما ارزش و اهمیتی ندارد؟

باید به این بخش از خوانندگان ارجمند عرض کنم که بلی پروسه انتخابات، آنهم انتخابات ریاست جمهوری در یک کشور، در صورتی از اهمیت کامل برخوردار خواهد بود که اولاً در آن کشور آزادی، دموکراسی و امنیت عمومی موجود بوده مردم قادر باشند در تحت نظام دموکراتیک با برخوردار از آزادی های فردی و سیاسی، بدون واهمه و سانسور و مصون از جنگ و خونریزی و ناامنی و بی عدالتی به پای صندوق های رای بروند و دوم، در صورتی بر ارزش و اهمیت چنین انتخابات تاکید خواهد شد و برای مردم ما مهم خواهد بود که کشور ما از سوی نیروهای مسلح خارجی اشغال نشده و حیثیت مستعمره را نداشته باشد.

خواننده های گرامی میدانند که در یک کشور مستعمره یا اشغال شده، هیچ رئیس جمهور، هیچ صدراعظم، هیچ وزیر و وکیل نمیتواند واقعا آزاد و فاعل مختار باقی بماند، به خصوص قوه اجراییه که رییس جمهور یا صدراعظم در راس آن قرار دارد، هرگز نمیتواند در تحت شرایط اشغال که هزاران سرباز مسلح و انبار هایی از سلاح و مهمات جنگی، صد ها جنرال و مشاور خارجی و همه سرزمین اجدادی ما در اختیار اشغال گران قرار داشته و بر همه کس و همه چیز نظارت حاکمانه دارند، اراده مستقل داشته و صلاحیت انجام امور مهم مملکت را داشته باشد. آیا این واقعیت تلخ در درازنای تاریخ به کرات مشاهده نشده؟ آیا عدم استقلال اراده و عدم صلاحیت های اجرایی و حتا اجراءات خلاف نیازها و توقعات اکثریت مردم ظرف هفت سال پسین از سوی آقای "کرزی" و همکاران نزدیکش به اثبات نرسیده است؟ آیا رئیس جمهور بر حال افغانستان که گویا رای "اکثریت" مردم کشور را هم در عقب خود دارد، تا کنون توانسته از مبارزان های قاتلان، کورکورانه و مغرورانه قوای بین المللی جلو گیرد؟ آیا "دولت" موجوده افغانستان تا حال قادر بوده اندکترین تقاضای مادی یا معنوی مردم را بلیک گوید؟ آیا رئیس جمهور افغانستان میتواند دموکراسی را که به نفع ملت افغانستان و به زیان نیرو های اشغالگر است، با اتکا به اراده خود، مردم و اعضای کابینه اش در کشور پیاده کند؟ وبالاخره، آیا رئیس جمهور افغانستان میتواند و قادر خواهد بود جنایتکاران جنگی را دستگیر و به محاکمه بکشاند؟ این نتوانستن ها و نکردن ها بدین معنا نخواهد بود که رئیس جمهور در واقع، فاقد صلاحیت قانونی است و یا امکانات مادی برایش میسر نیست. اساساً رئیس جمهور هم صلاحیت انجام این کار ها را دارد و هم امکانات اجرایی

برایش میسر است ، آنچه مانع کار ، تضعیف صلاحیت قانونی و زوال اراده مستقل رئیس دولت و بنابراین ، مانع خواست های مردم ما میشود ، همانا خواست و پالیسی و لزوم دید نیرو های خارجی است که دست و پای او را بسته اند. نیرو های خارجی و مجریان سیاسی کشور های ذیدخل در افغانستان با منطق استعماری و اغراض سیاسی شان دریافته اند که وجود یک دولت نامنهاد ، ضعیف ، دستنگر و بی صلاحیت هیچگاه قادر نخواهد بود مانع پیشبرد برنامه های مغرضانه آنها در افغانستان گردد. به عبارت دیگر ، نیرو های خارجی که افغانستان را اشغال کرده اند ، در صورت موجودیت یک دولت قوی ، یک رئیس جمهور مستقل ، مترقی و با اراده و در تحت یک نظام دموکراتیک که ممثل اراده اکثریت مردم در کشور باشد ، هرگز نمیتوانند خواست ها و برنامه های منفعت جویانه سیاسی ، نظامی و اقتصادی شان را در افغانستان و منطقه بر آورده سازند.

افغانستان همین اکنون میان دوسنگ سنگین پیچید گیهای سیاسی درگیر است ؛ اغراض و دست اندازیهای کشور های همسایه ( به شمول متحدین داخلی آنها) از یکطرف و ممالک بزرگ اروپایی و امریکایی ( و متحدین بومی آنان ) از سوی دیگر . همانطور که رژیم های همسایه آرزو ندارند در افغانستان یک دولت نیرو مند متمرکز و یک رئیس جمهور قوی ، آزاد ، مستقل و با اراده در راس امور قرار داشته باشد ، ممالک اروپایی و امریکایی نیز علی رغم به راه اندازی گرد باد " دموکراسی " و " بازسازی " و " جنگ با تروریسم " و غیره ، به اساس ملاحظات خاص سیاسی ، نظامی و اقتصادی شان نمیخواهند شاهد یک افغانستان آزاد ، امن و آباد در قلب آسیا باشند.

ورنه هیچ دلیلی مبنی بر شکستها ، ناکامی ها ، بی توجهی ها و بدنامی های هفت ساله شان سراغ نخواهد شد. زیرا ، مردم جهان شاهد بوده اند وقتی سازمان ملل و کشور های بزرگ نظامی و اقتصادی دنیا واقعا به مقصد تامین امنیت و یا باز سازی یک کشور اروپایی و یا غیر اروپایی اقدام کرده اند ، نتایج چشمگیری هم به ملاحظه رسیده است ، دلیلی ندارد که در صورت موجودیت نیت نیک و بازسازی واقعی ، اینهمه " تلاش " های بین المللی در یک کشور کوچک به نتیجه مثبت نرسد . مگر آنکه " زیرکانه نیم کاسه " وجود داشته باشد.

به همین دلیل است که شورشیان مسلح و گروه های خونریز ، جوقه جوقه از خارج و از سوی منابع خارجی به داخل کشور سوق داده شده علیه جان و مال و امنیت و حیثیت ملت افغانستان مورد سو استفاده سیاسی - نظامی قرار میگیرند ، نعش های متعفن ایدئولوژیک ، سیاسی و نظامی را از زباله دان تاریخ بیرون آورده در صدد به قدرت رسانیدن آنها میشوند ، جنایتکاران منفور را حاکم بر سر نوشت ملتی میسازند که سی سال رنج و مشقت جنگ و جنایت را تحمل کرده اند ، سر دمداران تروریسم را به جای نابودسازی ، زنده و فعال و مصون نگه میدارند ، کار بازسازی ویرانه ها را عمداً به تعویق می اندازند ، فقر و بیکاری و بی روزگاری را دامن میزنند و با " دزد دهن جوال " می گیرند و بدین وسیله ، اوضاع کشور را نا امن ، ترسناک و نا آرام نگه میدارند تا " از آب گل آلود ماهی مراد " بگیرند .

پس ، در تحت چنین اوضاع و شرایط دردناک ، کدام نفر ، ( ولو وطنپرست ترین و دلسوز ترین آن ) خواهد توانست وقتی به کرسی ریاست جمهوری افغانستان تکیه زند ، ملت را از زیر چرخ دوگانه و خورد کننده ی جاری ، آنهم به گونه مردمی آن نجات دهد ؟ کدام رئیس جمهور قادر خواهد بود جلو اعمال و کردار نیرو های خارجی در افغانستان را بگیرد؟ و بالاخره کدام رئیس جمهور جرات آنرا خواهد داشت از دستورات نیرو های اشغالگر سر باز زده به کار و اقدامات مستقلانه خودش ادامه دهد ؟

آیا با این توضیح و تذکر ، هنوز هم به پروسه انتخابات ، کمسیون انتخاباتی ، کاندیدا های رنگارنگ ، تبلیغات پرسرو صدا ، وعده و وعید ها و آمد و رفت روسای جمهور در کشور مان دل خوش کنیم ؟ آیا همین اکنون توطئه ، تبنانی و معامله گری خاموشانه و مخفی میان گرگان خونخوار و آدمکشان داخلی و خارجی در ریاض پایتخت عربستان سعودی ، این دشمن پشت پرده ملت افغانستان علیه منافع ملی و سر نوشت سیاسی ما جریان ندارد؟ آیا کسی حاضر شد و یا حاضر خواهد شد لحظه ای پیرامون چنین معامله و " مذاکره " و اتخاذ تصمیم در این قسمت ، از ملت به جان رسیده و صاحبان اصلی این سر زمین بپرسد ؟

تأسف عمیق من به خاطر اینست که اگر نیرو های ملی و مترقی بر حوادث پیشی نگیرند ، نتیجه نارضایتی ملت دردمند افغانستان ، شعار های ضد اجنبی و هر نوع اقدام دیگر غرض رهایی از زیر یوغ استعمار و استبداد و بیعدالتی در تحت شرایط خاص کنونی به نفع طالبان خون آشام و به سود همسایه های مغرض و مداخله گرتام می شود. چنانکه در گذشته ها نیز چنین شده است . به قول روان شاد میر غلام محمد غبارمولف " افغانستان در مسیر تاریخ " ، ملت افغانستان پس از هر غسل خون و تطهیر ، باز هم جامه چرگین به تن کرده است .

به عقیده ی من ، یگانه راهی را که ملت عزیز افغانستان برای نجات از چنگال گرگان دهن دریده و بیرحم داخلی و خارجی باید ببیماید ، عبارت از تشخیص دوست حقیقی از دشمن اصلی ، گرد آمدن به دور افکار مترقی فداکاران روشن ضمیر جامعه و همچنان ، تشکیل نیروی مستقل خودی و رزمیدن به خاطر حصول آزادی ، دموکراسی و عدالت همه گانی است که آنان را به هدف های مردمی و آباد گرانه متوسل گرداند. / (پایان)